

کتاب دانیال — شماره چهل و نه

افشای حقایق: ندای نیمه‌شب، نقش اسلام، و فرایند نهایی آزمون در ایام آخر

Jeff Pippenger

2024-01-13

افزایش معرفتی که هنگامی پدید آمد که رؤیای رود اولای در سال 1798 از مهر گشوده شد، فرایندی از آزمون را به وجود آورد که در جنبش فریاد نیمه‌شب در سال 1844 به اوج خود رسید. فریاد نیمه‌شب ایام آخر، که اکنون در حال گشوده شدن از مهر است، به وسیله آن تاریخ به تصویر کشیده شده است، و همان حقایق آزمون‌گر آن تاریخ را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا پیام فریاد نیمه‌شب که اکنون از مهر گشوده می‌شود، احیای جواهرات میلر است.

«حقیقت‌هایی که ما در سال‌های 1841، 1842، 1843 و 1844 دریافت کردیم، اکنون باید مورد مطالعه قرار گیرند و اعلام شوند. پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم در آینده با آوازی بلند اعلام خواهند شد. این پیام‌ها با عزم جدی و در قدرت روح عرضه خواهند شد.» Manuscript Releases, جلد 15، 371.

موضوع اصلی پیام نبوی فریاد نیمه‌شب زمان ما، نقش اسلام وای سوم است. هر سه وای اسلام، همگی بر دو لوح حقوق به تصویر کشیده شده‌اند. پیام فریاد نیمه‌شب ایام آخر، از هنگام ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، زمانی که وقت درنگ ایام آخر فرا رسید، آغاز به گشوده شدن کرد. همان‌گونه که پیام فریاد نیمه‌شب در تاریخ میلری به تدریج توسعه یافت، پیام ایام آخر نیز به گونه‌ای تدریجی بسط می‌یابد تا به نقطه‌ای برسد که توسط گردهمایی اردویی اکستر نشان داده شده است. در آن نقطه، باکره‌ها یا روغن را دارند، یا ندارند.

اعلام وای اشعیا بر مردان استهزاکننده‌ای که بر قوم اورشلیم حکم می‌رانند، آشکار می‌سازد که رؤیا نزد میگساران افرایم چون کتابی مهرشده شده است. در متن اشعیا، عمل تبدیل یک نماد شیطنانی به نمادی الهی، چنان‌که در تاریخ آدونتیسم به انجام رسیده است، همچون گل کوزه‌گر به شمار آورده می‌شود. آن عمل، برقرار ساختن تعریف «دائمی» به عنوان نمادی از مسیح بود، حال آنکه آن نماد شیطان است. هنگامی که دانیال واژه «تامید» را به عنوان نمادی از بت‌پرستی به کار برد، آن واژه را با مقصودی نمادین برگزید، زیرا آن واژه به معنای «مستمر» است.

سه قدرت هستند که جهان را به آرماگدون رهبری می‌کنند، و نخستین آن سه قدرت اژدهاست (بت‌پرستی). اژدها جنگ خود را بر ضد خدا در آسمان آغاز کرد. اژدها آن جنگ را تا پایان هزاره هزارساله ادامه می‌دهد، آنگاه که سرانجام نابود می‌شود.

و چون هزار سال به پایان رسد، شیطان از زندان خود رها خواهد شد، و بیرون خواهد آمد تا قوم‌هایی را که در چهار گوشه زمین‌اند، یعنی جوج و ماجوج را، گمراه سازد و ایشان را برای جنگ گرد آورد؛ و شمار آنان همچون ریگ دریاست. و بر پهنه زمین برآمدند و اردوگاه مقدسان و شهر محبوب را در میان گرفتند؛ و آتشی از جانب خدا از آسمان فرو آمد و ایشان را بلعید. و ابلیس که آنان را گمراه می‌کرد، به دریاچه آتش و گوگرد افکنده شد، جایی که آن وحش و آن نبی کذاب نیز هستند؛ و ایشان تا ابدالآباد، روز و شب، عذاب خواهند کشید. مکاشفه ۷:۱۰-۱۰

وحش (پاپیت) که دومین آن سه قدرتی است که جهان را به آرماگدون رهنمون می‌سازد، و نبی کاذب (ایالات متحده) که سومین آن سه قدرت است، هر دو پس از واقعه صلیب در تاریخ پدیدار شدند، و هر دو در بازگشت ثانوی مسیح نابود می‌شوند.

و آن وحش گرفتار شد، و با او آن نبی کذاب که در حضور وی معجزات به جا می آورد و به وسیله آنها کسانی را که نشان وحش را پذیرفته بودند و آنان را که صورت او را می پرستیدند، فریب داده بود. این هر دو زنده به دریاچه ای از آتش فروزان به گوگرد افکنده شدند. مکاشفه 19:20

هنگامی که دانیال واژه عبری «مستمر» را به عنوان نمادی از بت پرستی (شیطان) برگزید، واژه ای را برگزید که نشان می داد این شیطان است که پیوسته در برابر خدا جنگیده است. آن دو قدرت دیگر، تنها در دوره های زمانی معین در جنگ خود علیه خدا فعال اند. انتخاب دانیال از واژه «tamid» (مستمر) هدفمند و دقیق بود.

ਉਡੇਲ ਆਤਮਾ ਦੀ ਨੀਦ ਗਹਿਰੀ ਨੇ ਪ੍ਰਭੂ ਉੱਤੇ ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਉੱਤੇ ਉਹਨਾਂ, ਕਥਾ ਵਰਿਲਾਪਮਈ ਉਹ ਦੀ ਯਸਾਯਾਹ ਜਵਿੰ ਉਹ, ਹੈ ਵਧਦੀ ਅੱਗੇ ਤੱਕ ਤੀਹ ਅਧਿਆਇ ਤੋਂ ਅਠਾਈ ਅਧਿਆਇ, ਦੱਤੀਆਂ ਕਰ ਬੰਦ ਅੱਖਾਂ ਦੀਆਂ ਜਿਨ੍ਹਾਂ ਅਤੇ ਦੱਤੀ ਹੈ ਲਖਿਦਾ

اکنون برو و این را در حضور ایشان بر لوحی بنویس، و آن را در کتابی ثبت کن، تا برای زمان آینده، تا ابدالابد، باقی بماند: زیرا این قومی سرکش اند، فرزندان دروغگو، فرزندان که نمی خواهند شریعت خداوند را بشنوند؛ که به راثیان می گویند: رؤیا ببینید؛ و به انبیا: برای ما از امور راست نبوت مکنید؛ یا ما سخنان نرم بگویید، فریب ها نبوت کنید. از راه کنار روید، از طریق منحرف شوید، قدوس اسرائیل را از پیش روی ما بردارید. بنابراین، قدوس اسرائیل چنین می گوید: چون این کلام را خوار شمرده اید، و بر ظلم و کژی توکل کرده اید و بر آن تکیه نموده اید؛ از این رو این گناه برای شما چون شکافی خواهد بود آماده فرو ریختن، که در دیواری بلند برآمده باشد و شکستنش ناگهان، در لحظه ای، فرا رسد. و آن را خواهد شکست، چنان که ظرف کوزه گر را خرد می کنند، آن سان که به تمامی درهم شکسته شود؛ و او رحم نخواهد کرد، به گونه ای که در میان پاره هایش سفالی یافت نشود تا با آن آتشی از اجاق برگیرند، یا آبی از حوضچه برگیرند. زیرا خداوند یهوه، قدوس اسرائیل، چنین می گوید: در بازگشت و آرامی نجات خواهید یافت؛ و قوت شما در سکون و اعتماد خواهد بود؛ اما شما نخواستید. اشعیا 30:8-15.

وہ "لوح" جو لکھی گئی ہے، حقوق کے باب دو کی وہ الواح ہیں، جو اس لیے مقرر کی گئی تھیں کہ جو انہیں پڑھے وہ "دوڑے" اور پیغام کو پھیلا دے۔ وہ "کتاب" جس نے "لوح" کا "ذکر" کیا ہے، حقوق ہے۔ حقوق کی "کتاب" کی "لوح" ایک آزمائشی عمل کی نمائندگی کرتی ہے جو "سرکش قوم، جھوٹے فرزند، ایسے فرزند جو خداوند کی شریعت کو نہیں سنیں گے" کو ظاہر کرتا ہے۔ وہ "سرکش لوگ" جو "سننے" سے انکار کرتے ہیں، یرمیاہ میں وہی ہیں جو پاسبان کے نرسنگے کی آواز سننے سے انکار کرتے ہیں۔

همچنین بر شما نگهبانانی گماشتم و گفتم: «به صدای کرنا گوش فرا دهید.» اما ایشان گفتند: «گوش فرا نخواهیم داد.» ارمیا ۶:۱۷

سرکش وہ ہیں جو یسعیاہ کی تاریخ میں بھی تھے اور مسیح کی تاریخ میں بھی، جنہوں نے سنا قبول نہ کیا۔

و گفت: «برو و به این قوم بگو: هرچند می شنوید، اما در نمی یابید؛ و هرچند می بینید، اما ادراک نمی کنید. دل این قوم را فربه ساز، و گوش هایشان را سنگین کن، و چشمانشان را ببند؛ مبادا با چشمان خود ببینند، و با گوش های خود بشنوند، و با دل خود بفهمند، و بازگشت کنند، و شفا یابند.» اشعیا ۶:۹، ۱۰

باغیان کر اشعیا می توانند «بشنوند»، اما «نمی شنوند»، و امتناع ایشان از «شنیدن» آشکار می سازد که «نمی فهمند». همان شیران دانیال اند، که همان باکره های جاهل متی نیز هستند، که افزایش معرفتی را که بر «لوح» نمود یافته و در «کتاب» حقوق ثبت شده است، درک نمی کنند. اگر باغیان کر

اشعیا می شنیدند، می توانستند توبه کرده، شفا یابند؛ اما دل ایشان فربه شده است، از این رو نمی توانند پیام فریاد نیمه شب را بفهمند. عیسی شاهدی دوم درباره باغیان کر ارائه کرد.

دهکار उत्तर उसने?" है करता बाते क्यों में दृष्टान्तों उनसे तू "लगे कहने उससे आकर पास उसके चले और क्योंकिया। दिया नहीं उन्हें परन्तु, है गया दिया जानना को भेदों के राज्य के स्वर्ग तुम्हें, "कहा उसने भी वह उससे, है नहीं पास जसिके परन्तु; होगा से बहुतायत पास उसके और, जाएगा दिया उसे, है पास जसिके नहीं भी हुए देखते वे क्योंकि, हूँ करता बाते में दृष्टान्तों उनसे मैं कारण इस है। पास उसके जो जाएगा लिया ले, है होती पूरी भवषियद्वाणी यह की यशायाह पर उन और हैं। समझते न, सुनते नहीं भी हुए सुनते और, देखते प्रजा इस क्योंक नहीं। जानोगे पर, रहोगे तो देखते और; नहीं समझोगे पर, रहोगे तो सुनते तुम, 'है कहती जो, है ली कर बन्द आँखें अपनी उन्होंने और, है गए हो भारी में सुनने कान उनके और, है गया हो मोटा हृदय का, फरि और, समझें से हृदय अपने और, सुनें से कानों अपने और, देखें से आँखों अपनी कभी वे कहो न ऐसा सुनते वे क्योंकि, कान तुम्हारे और; है देखती वे क्योंकि, आँखें तुम्हारी है धन्य परन्तु' करूँ। चंगा उन्हें मैं और देखते तुम बाते जो कचाहा ने धर्मियों और भवषियद्वक्ताओं से बहुत कहूँ कहता सच तुमसे मैं क्योंकि है। 13:10-17मत्ती" सुनीं। न पर, सुनें उन्हें हो सुनते तुम बाते जो और; देखीं न पर, देखें उन्हें हो

दानायान राज़ मَثَل हा را درمی یابند، که همان حقیقتی است که سطر بر سطر نمایانده شده است. دانیان مبارکند، زیرا می بینند و می شنوند، و هم دانیان و هم مبارکان هر دو در باب دوازدهم دانیال نمایانده شده اند. «دانیان» کسانی اند که افزایش معرفت را درک می کنند (با دل های خود)، که به وسیله «سفره» ای که در «کتاب» حقوق یاد شده، نشان داده شده است؛ و «مبارکان» کسانی اند که انتظار می کشند.

है। गए रखे मुहरबन्द और बन्द तक समय-अनृत वचन ये क्योंकि; जा चला तू, दानयियेल है, कहा उसने और दुष्टों और; रहेंगे करते ही दुष्टता लोग दुष्ट परन्तु; जाएँगे परखे और नर्मिल, जाएँगे कएि शुद्ध लोग से-बहुत, जाएगा कया बन्द बलदिन का नतिय से समय जसि और समझेंगे। बुद्धमिान परन्तु, समझेंगे न कोई से में है धन्य होंगे। दनि नबबे सौ दो हजार एक से समय उस, जाएगी की स्थापति वस्तु घृणति उजाड़नेवाली और 12:9-13दानयियेल है। पहुँचता तक दनिों पैतीस सौ तीन हजार एक और, है करता प्रतीक्षा जो वह

میلری ها به درستی دریافتند که هزار و سیصد و سی و پنج روز از زمانی آغاز شد که بت پرستی («قریانی دائمی») در سال 508 «برداشته شد». برکت به کسانی وعده داده شده بود که در سال 1843 در انتظار بودند. واژه «می آید» در آن عبارت به معنای «می رسد» است. سال 1843، هنگامی که به پایان رسید، به سال 1844 «رسید». وقتی سال 1843 به پایان رسید، «زمان تأخیر» مذکور در حقوق فرا رسید، و بر کسانی که مطابق فرمان «کتاب» ی که «لوح ها» را ذکر می کرد، انتظار کشیدند، برکتی اعلام شد. «کتاب» حقوق به مردم فرمان داده بود که برای رؤیا «انتظار بکشند».

دانیال تاریخ ۱۷۹۸ را شناسایی می کند (زمان آخر)، هنگامی که کتاب او از مهر گشوده شد، و آنگاه فرایندی سه مرحله ای از آزمون پدید آمد («پاک خواهند شد، و سفید خواهند گردید، و ممتحن خواهند شد»). آن فرایند در آشکار شدن تاریخ پنهان هفت رعد به نتیجه نهایی خود رسید. آن تاریخ پنهان، سه نشانه راه حقیقت است که به وسیله نخستین نومیدی، پیام فریاد نیمه شب، و نومیدی عظیم نمایش داده شده است. برکت رسیدن به نخستین نومیدی، نمایانگر فرایندی سه مرحله ای از آزمون در پایان تاریخ ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ است.

تاریخ 1798 تا «نومیدی بزرگ» 1844، مماثل تاریخ 1989 تا قانون یکشنبه ای قریب الوقوع است. برکتی برای کسانی وعده داده شده است که برای رؤیایی که در نخستین نومیدی به درازا کشیدن آغاز کرد، انتظار می کشند. «حکیمان» دانیال دوازده، همان کسانی هستند که «مبارک» اند و «انتظار می کشند». شیران کسانی هستند که با دل های خود «نمی شنوند» و «نمی بینند». تمامی تجربه

جنبش میلری در چهار آیه دانیال خلاصه شده است، و آن آیات همچنین تاریخ مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را به تصویر می‌کشند.

تاریخ مقدس که در آن چهار آیه بازنمایی شده است، بر فهم افزایش معرفتی مبتنی است که بر لوح‌های حقوق به تصویر درآمد، و نیز بر افزایش معرفتی که عیسی، هنگامی که از طریق روش «حکم بر حکم» تعلیم می‌داد، بدان اشاره کرد. او مثل پشتِ مثل آورد تا سرِ نبوت را برای «حکیمان» توضیح دهد. «شریران» در دانیال دوازده نمی‌فهمند، و در دوم تسالونیکیان، باب دو، این فقدان فهم ایشان به صورتِ نفرت از حقیقت بازنمایی شده است، که موجب ضلالت شدید می‌گردد. آن حقیقتی که شریران در رساله پولس دوست نمی‌دارند، «قربانی دائمی» بود، و در آن چهار آیه دانیال، حقیقتِ نبوتی‌ای که به‌طور خاص مشخص شده است، «قربانی دائمی» است.

عیسی به شاگردان گفت که ایشان مبارک‌اند، و بدین‌سان آنان را با کسانی در اشعیا که از دیدن و شنیدن امتناع کردند تا مبادا بازگشت کنند، در تقابل قرار داد. آنان که در دانیال باب دوازدهم مبارک خوانده شده‌اند، همان کسانی هستند که انتظار می‌کشند. آن چهار آیه در باب دوازدهم دانیال، و نیز تحقق آن آیات در تاریخ میلریته‌ها، و نیز تقابل اشعیا با گروهی که از شنیدن و دیدن سر باز زدند، و نیز همین تمایز عیناً همان دو گروه از سوی مسیح، همگی به تاریخ پنهان هفت رعد که در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ فرا رسید، اشاره می‌کنند. فرایند نهایی آزمون در تاریخ میلریتی که از نخستین نومیدی آغاز شد، اکنون در حال تکرار است. بعضی خواهند دید، و بعضی دیگر از دیدن امتناع خواهند کرد.

«تمامی پیام‌هایی که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شدند، اکنون باید با قوت اعلام شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت‌یابی خود را از دست داده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساها برسند.»

مسیح فرمود: «خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و مردان صالح آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند، و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند، و نشنیدند» [متی ۱۳: ۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی که آنچه را در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد، دیدند.

«پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق‌اند؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد شد. به‌زودی، به تعیین خدا، پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند فزونی خواهد یافت. آنگاه دانیال در جایگاه خود خواهد ایستاد تا شهادت خویش را بدهد.» Manuscript Releases، جلد 21، 437.

ویلیام میلر به‌وسیله فرشتگان هدایت شد تا دریابد که «قربانی دائمی» نمادی از روم بت‌پرست است. خواهر وایت به‌طور مستقیم تأیید کرد که او در آن فهم، درست بوده است. آن فهم که بر «الواح» ی که در «کتاب» حقوق به آن‌ها اشاره شده است، نمایش داده شد، «برای زمان آینده» است. گشوده شدن مهر آن «کتاب»، «فرزندان یاغی و دروغگو» را آشکار می‌سازد. «فرزندان» نمادی از آخرین نسل است؛ ازاین‌رو، «زمان آینده» در آیه اشعیا، به‌طور مشخص به ایام آخر دآوری تحقیقی اشاره دارد.

اشعیا بیان می‌دارد که «فرزندان دروغگو» پیام نبوتی نمایانده‌شده بر «لوح» را که در «کتاب» ثبت شده است رد خواهند کرد، زیرا می‌گویند: «به بینایان، رؤیا مبینید؛ و به انبیا، برای ما امور راست نبوت مکنید؛ برای ما سخنان نرم بگویید، فریب‌ها را نبوت کنید.» در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم لائودیکیه‌ای فرایندی فزاینده را در جهت تحقق درخواست فرزندان دروغگو آغاز کرد. اشعیا این عمل را به‌مثابه رد کردن طریق‌های کهن بنیادهای میلری توصیف می‌کند، زیرا گفتند: «از راه کنار روید، از مسیر منحرف شوید، و قدوس اسرائیل را از پیش روی ما بردارید.» آن مسیر که همان راه است، طریق‌های کهن ارمیاست.

این‌گونه می‌فرماید خداوند: «بر سر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های کهن بپرسید که راه نیکو کدام است؛ پس در آن سلوک نمایید، و برای جان‌های خویش آرامی خواهید یافت.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» ارمیا 6:16

ردّ «فرزندان دروغگو» نسبت به «راه‌های قدیم» ارمیا، ردّ پیام فریاد نیمه‌شب است؛ همان‌جایی که «آرامی» یافت می‌شود، و همان «آرامی و طراوت»ی است که در اشعیا خواستند آن را بشنوند، و نیز همان طراوت پیام باران آخر است. آن پیام، پیام فریاد نیمه‌شب است که در تاریخ میلری‌ها بازنمایی شده و بر «لوح‌ها»یی که در یک «کتاب» یاد شده‌اند، به تصویر کشیده شده است. ردّ پیام فریاد نیمه‌شب از سوی فرزندان دروغگو، با میل ایشان به این‌که «قدوس اسرائیل را از پیش روی» خود برکنار سازند، بازنمایی می‌شود. نخستین رؤیای الن وایت، که آلفا و امگا بی‌تردید آن را برای بازنمایی پایان به کار می‌برند، راه پارسایان را مشخص می‌سازد، نور را در آغاز آن نشان می‌دهد، و نیز معین می‌کند که چه کسی «حکیمان» را تا پایان راه هدایت می‌کند.

«در آغاز راه، نوری درخشان در پشت سر ایشان قرار داده شده بود که فرشته‌ای به من گفت همان «فریاد نیمه‌شب» است. این نور در سراسر راه می‌تابید و پای‌های ایشان را روشن می‌ساخت تا مبادا بلغزند.»

«اگر چشمان خود را بر عیسی، که درست پیش روی ایشان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می‌کرد، ثابت نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما دیری نپایید که برخی خسته شدند و گفتند که شهر بسیار دور است، و انتظار داشتند که پیش از آن به آن داخل شده باشند. آنگاه عیسی با برافراشتن بازوی راست پرچال خود ایشان را تشویق می‌کرد، و از بازوی او نوری برمی‌خاست که بر فراز گروه ادونتی به اهتزاز درمی‌آمد، و آنان فریاد می‌زدند: «هیلویاه!» دیگران به بی‌باکی نور پشت سر خود را انکار کردند و گفتند که این خدا نبود که ایشان را تا بدین‌جا رهبری کرده بود. نور پشت سر ایشان خاموش شد و پاهایشان را در تاریکی کامل فرو گذاشت، و ایشان لغزیدند و نشان و عیسی را از نظر گم کردند، و از راه به پایین، به جهان تاریک و شریر زیر پایشان، سقوط کردند.» Christian Experience and Teachings of Ellen G. White, 57

این نور فریاد نیمه‌شب بود، هم در آغاز و هم در پایان. این عیسی بود (قدوس اسرائیل) که ایشان می‌خواستند از پیش رویشان برداشته شود. نوری که از بازوی راست جلال عیسی ساطع می‌شد، همان نور فریاد نیمه‌شب بود، چنان‌که بر «لوح‌ها» که در «کتاب» ذکر شده بودند، به تصویر درآمده است. ردّ پیام فریاد نیمه‌شب مسیح از سوی «فرزندان دروغگو»، و راهی که می‌بایست بر آن گام برمی‌داشتند، داوری خدا را بر ایشان آورد، آنگاه که از راه سقوط کردند. آن «دیوار بلند» که ناگهان شکسته می‌شود، همان «دیوار» جدایی کلیسا و دولت است که در قانون یکشنبه‌ای نزدیک‌الوقوع منهدم می‌گردد. آن داوری «ناگهان، در دم» فرامی‌رسد، و «چون شکسته شدن ظرف کوزه‌گر که خرد و ریزه‌ریزه می‌شود» خواهد بود. این همان داوری‌ای است که با وارونه ساختن نماد شیطانی «قربانی دائمی» و شناسایی آن به عنوان نمادی از مسیح، مرتبط است.

یقیناً وارونه ساختن امور از جانب شما همچون گل کوزه‌گر به‌شمار خواهد آمد؛ زیرا آیا ساخته درباره سازنده خود خواهد گفت: «او مرا نساخت»؟ یا آیا آنچه صورت یافته است درباره صورت‌دهنده خود خواهد گفت: «او فهمی نداشت»؟ اشعیا 29:16.

«تقریباً دائمی» همان حقیقت نبوی است که چهار آیه در دانیال دوازده را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ آیاتی که تمایز میان شریران و حکیمان را مشخص می‌سازند. «تقریباً دائمی» همان حقیقتی است که از سوی کسانی که در دوم تسالونیکیان دچار ضلالت نیرومند می‌شوند، مورد نفرت است. «تقریباً دائمی» نمایانگر میل «فرزندان دروغگو» است که بخواهند قدوس اسرائیل را از سر راه خود بردارند. و

مجازات ایشان با شکستن ظرفِ کوزه گر به تصویر کشیده شده است، و آنچه بر جای می ماند، تصویری از وضعیتِ هلاک شده باکره گان جاهل است؛ زیرا از آن پاره های شکسته و باقی مانده ظرفِ درهم شکسته کوزه گر، «یافت نخواهد شد» «پاره سفالی برای برداشتن آتش از اجاق، یا برای کشیدن آب از حوض.»

هم «آتش» و هم «آب» نمادهای روح القدس اند، چنان که روغن در مثل ده باکره نیز چنین است. هنگامی که «فریاد نیمه شب» ناگهان در یک لحظه فرا رسد، همان گونه که در اجتماع اردویی اکستر در اوت 1844 رخ داد، برای «فرزندان دروغگو» یافتن هیچ روغنی (آب یا آتش) ناممکن خواهد بود. آنان پس از نخستین یأس، همان گونه که ارمیا خوانده شد، به «بازگشت» فراخوانده شدند، اما سر باز زدند.

سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم، و کلام تو برای من شادی و ابتهاج دل من گردید؛ زیرا من به نام تو خوانده شده ام، ای یهوه، خدای لشکرها. در مجلس استهزاکنندگان ننشستم و شادی نکردم؛ به سبب دست تو تنها نشستم، زیرا مرا از خشم پر ساخته ای. چرا درد من جاودانه است، و زخم من علاج ناپذیر، که از شفا یافتن سر باز می زند؟ آیا برای من به راستی چون دروغ خواهی بود، و مانند آب هایی که فرو می مانند؟ پس یهوه چنین می گوید: اگر بازگردی، تو را باز خواهم آورد، و در حضور من خواهی ایستاد؛ و اگر گران بها را از بی ارزش جدا سازی، همچون دهان من خواهی بود؛ ایشان نزد تو بازگردند، اما تو نزد ایشان بازنگرد. و تو را برای این قوم چون دیواری برنجین استوار خواهم ساخت؛ و با تو خواهند جنگید، اما بر تو غالب نخواهند آمد؛ زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم و رهایی بخشم، یهوه می گوید. و تو را از دست شیریان خواهم رهانید، و از چنگ سهمگینان فدیہ خواهم داد. ارمیا 15:16-21.

ارمیا نمایانگر کسانی است که پس از نخستین یأس بازگشتند؛ کسانی که به کار جدا ساختن «گران بها از بی ارزش» داخل شدند تا «به حضور» خداوند بایستند و چون «دهان» خداوند باشند. ایشان همان کسانی اند که در باب نهم دانیال نمایانده شده اند، به عنوان کسانی که پراکندگی خویش را دریافتند و پس از آن دعای لاویان بیست و شش را به جا آوردند. ایشان همان کسانی اند که به وسیله دیدبانان دانیال، ارمیا و حبقوق نمایانده شده اند، که در تقابل با «فرزندان دروغگو» قرار دارند. «فرزندان دروغگو» نیز از سوی «قدوس اسرائیل» خطاب شدند، آنگاه که فرمود: «در بازگشت و آرامی نجات خواهید یافت؛ قوت شما در سکوت و اطمینان خواهد بود، و شما نخواستید».

جواهر میلر همان حقایقی هستند که بر الواح حبقوق به تصویر درآمده اند؛ حقایقی که آزمون پیام فریاد نیمه شب را نمایندگی می کنند و دو طبقه از پرستندگان را پدید می آورند. نماد آن شورشی که بر ضد آن جواهرات ظاهر می شود، «قربانی دائمی» است. میلر در فهم خود از «قربانی دائمی» درست بود، اما فهم او به سبب تاریخی که در آن می زیست محدود بود، و آن جواهراتی که او عادت داشت بر میز واقع در مرکز اتاقش بگذارد، اکنون ده بار درخشان تر از زمانی می درخشند که میلر نخست آنها را بر میز خود نهاد. اکنون آنها در محفظه ای بزرگ تر قرار دارند، زیرا آن محفظه اکنون نه تنها کتاب مقدس را نمایندگی می کند، چنان که در زمان میلر می کرد، بلکه اکنون هم کتاب مقدس و هم روح نبوت را نمایندگی می کند.

یهی دو گواه ہیں جو آخری ایام میں آزمائش کی روشنی پیدا کرتے ہیں، اور یہی دو گواہ ہیں جو آخری ایام میں ایک بنیادی معرکہ گاہ بن جاتے ہیں۔ ملر نے اس جنگ کو دیکھا، کیونکہ اپنے خواب میں انہوں نے اس کا تابوت (بائبل) لے لیا اور اسے پہاڑ ڈالا۔ یوحنا، جو آخری ایام میں "داناؤں" کی نمائندگی کرتا ہے، "اس جزیرہ میں تھا جو پتھر سے کہلاتا ہے، خدا کے کلام اور یسوع مسیح کی گواہی کے سبب سے۔" یوحنا کو بائبل اور ایلین وانٹ کی تحریروں، دونوں کے پیغام پر ایمان رکھنے کے باعث ایذا دی جا رہی تھی۔

ما در مقاله بعدی به بررسی حقایقی که در رؤیای رود اولای، که در سال ۱۷۹۸ گشوده شد، به تصویر کشیده شده‌اند، ادامه خواهیم داد.

«ما برای آینده هیچ چیزی برای ترسیدن نداریم، مگر آن‌که راهی را که خداوند ما را در آن هدایت کرده است، و تعلیم او را در تاریخ گذشته‌مان، از یاد ببریم.» Life Sketches, 196.